

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان
پیاپی اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۴

سنجش میزان آمادگی دختران دانشجو برای انجام کنش‌های سیاسی دانشجویی

دکتر محمد حسین الیاسی*

فاطمه سوری**

چکیده

در این تحقیق برای سنجش و اندازه‌گیری میزان آمادگی دختران دانشجو برای انجام کنش‌های سیاسی، اعم از کنش‌های اعتراضی و یا مقابله‌ای، از بین دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی تهران نمونه‌ای به حجم ۱۶۰۰ نفر انتخاب شد. آنگاه نگرشها و آمادگیهای آنان با استفاده از یک مقیاس اندازه‌گیری دارای پایایی بالا اندازه‌گیری شد. نتایج بدست آمده با استفاده از آزمونهای آماری مختلف و به کمک نرم افزار کامپیوتری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بدست آمده بیانگر وجود تفاوت معنادار بین نگرشها و آمادگیهای دانشجویان مختلف، و همبستگی معنادار بین نگرشها و آمادگیها با ترم تحصیلی و موفقیت تحصیلی دانشجویان بود.

واژگان کلیدی

نگرش سیاسی، کنش سیاسی، کنش دانشجویی، آمادگی‌های رفتاری.

* آقای دکتر محمد حسین الیاسی، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع) است.

** سرکار خانم فاطمه سوری، پژوهشگر و کارشناس ارشد روانشناسی بالینی است.

مقدمه

در ایران، همانند بسیاری از دیگر کشورهای دنیا، نام دانشجو و دانشگاه همواره با کنش‌های سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی پیشروانه، مترادف است. گویا دانشجویان علاوه بر نقش دانش‌اندوزی، نقش پراهمیت پیشقدمی در کنش‌های جمعی سیاسی، و تلاش برای اصلاح و تغییر برخی فرایندهای اجتماعی و سیاسی را نیز متکفل شده‌اند. تأمل در کنش‌ها و جنبش‌های چند دهه اخیر کشورمان نشان می‌دهد که کنش‌های سیاسی دانشجویان ایرانی، هم در جهت مخالفت با نظم مستقر و نظام حاکم به وقوع پیوسته و هم در جهت دفاع از نظام سیاسی موجود و تلاش برای پیشبرد اهداف و مقاصد آن بوده است. در هر دو نوع از این کنش‌ها دختران همانند پسران دانشجو نقش ایفا کرده‌اند. شاید بدین خاطر است، که امروزه برخی محققانی که به بررسی ابعاد مختلف کنش‌های دانشجویی پرداخته‌اند، تأکید می‌کنند که هرچه زمان می‌گذرد کنش‌های سیاسی دانشجویی ماهیت ((مرد-مدارانه)) خود را از دست می‌دهند و غیر جنسیتی می‌شوند. برای تبیین کنش‌های سیاسی دانشجویی، خواه آنها را مرد مدارانه تلقی کنیم و فارغ از به جنسیت، دیدگاه‌های نظری مختلفی فرمول‌بندی شده است. در زیره برخی از دیدگاه‌ها، و تحقیقات انجام شده در این قلمرو، اشاره می‌شود.

مروری بر ادبیات موضوع

برای تبیین فرآیند پدیدآیی و استمرار کنش‌های دانشجویی از سه سلسله نظریه استفاده شده است:

- ۱- نظریه‌های رفتار جمعی ؛
- ۲- نظریه‌های پیرو مکتب فرانکفورت ؛
- ۳- نظریه‌های هویت و شناخت ؛

در سطور زیر هر یک از این سه دسته نظریه به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرند:

۱- نظریه‌های رفتار جمعی

هربرت بلومر^۱ (۱۹۶۹)، یکی از نظریه پردازان مکتب شیکاگو (در جامعه شناسی) است که به تبیین کنش‌های اجتماعی و جنبش‌های دانشجویی پرداخته است. به باور او، کنش‌های دانشجویی زمانی به یک رفتار جمعی اعتراض آمیز تبدیل می‌شود که قواعد و هنجارهای حاکم بر جامعه تضعیف شود، یا تمایلات فرهنگی و اجتماعی جدیدی در آنان پدید آید که جامعه قادر به برآوردن آن نباشد. به اعتقاد او ناآرامی‌های دانشجویی می‌تواند به شکل احساس ناراحتی کلی از شرایط، احساس سرخوردگی و اعتراض شدید بروز می‌کند.

به اعتقاد بلومر کنش‌ها و اعتراضات فردی دانشجویان از طریق پنج مکانیسم، تبدیل به کنش‌ها و جنبش‌های جمعی می‌شوند. آن مکانیسم‌ها عبارتند از: (۱) تحریک ۲: کارکرد تحریک برانگیختن دانشجویان و تغییر در برداشتهای آنان از خود و حقوق و تکالیفشان است،

(۲) گسترش روح جمعی: منظور از این اصطلاح سازماندهی احساسات و هیجانات دانشجویان به نفع جنبش اعتراضی است،

(۳) افزایش روحیه: لازمه استمرار کنش‌های جمعی دانشجویی افزایش انسجام و عزم و اراده کنشگران برای استمرار رفتارهای اعتراض آمیز است.

(۴) توسل به ایدئولوژی: ایدئولوژی مجموعه‌ای از آموزه‌ها، باورها و اسطوره‌ها است که استمرار جنبش و حرکات جمعی اعتراض آمیز را توجیه می‌کند.

1. Blumer
2. Agitation

۵) تاکتیک‌ها: منظور از تاکتیک‌ها، اقدامات خاصی است که برای جلب و حفظ هواداران و نیل به اهداف انجام می‌شود.

بلومر تاکید می‌کند، گروه‌های دانشجویی تنها زمانی قادرند دانشجویان را برای مدت طولانی با خود همراه سازند و آنان را برای انجام کنش‌های اعتراض آمیز برانگیزند، که از پنج فرآیند بالا به درستی بهره گیرند. اسملسر^۱ (۱۹۶۴) شرایط وقوع کنش‌های جمعی و جنبش‌های اجتماعی و دانشجویی را به شرح زیر فهرست کرده است:

۱) زمینه مساعد ساختاری: کنش‌های جمعی در شرایطی ظهور می‌کنند که جامعه با مشکلات جدی روبرو است.

۲) فشارهای ساختاری: تضاد منافع در جامعه و نیز تضاد بین خواسته‌های یک گروه (مثل دانشجویان) و منافع حکومتی، از عوامل مولد فشارهای ساختاری هستند.

۳) باورهای تعمیم یافته: منظور از باورهای تعمیم یافته، اتفاق نظر عده زیادی از دانشجویان بر فشارهای ساختاری است.

۴) عوامل شتاب دهنده: برای تبدیل نارضایتی‌ها و اعتراضات به یک کنش یا جنبش جمعی، باید عوامل شتاب دهنده‌ای وجود داشته باشد. اغلب از این به عنوان ((فرصت‌های طلایی)) نیز یاد می‌شود.

۵- بسیج شرکت کنندگان برای عمل: برای استمرار کنش‌های دانشجویی باید گروه‌ها یا گروهک‌های مقبول، معترضات را سازمان دهند.

بلومر تاکید می‌کند که بسیج معترضان طی سه مرحله صورت می‌گیرد:

(۱) مرحله اول که حرکت اعتراضی به آرامی شروع می‌شود،

(۲) مرحله پرشور همراه با تسریع فعالیت‌ها.

(۳) مرحله نهادینه شدن، که طی آن جنبش، جنبه روزمره و عادی پیدا می‌کند (ماشمی‌زهی، ۱۳۸۱).

اسم‌سُسر معتقد است که کارگزاران حکومتی می‌توانند جنبش‌های دانشجویی را مهار کنند. او برای این منظور راه حل‌های زیر را پیشنهاد می‌کند.

- حذف راه‌های غیر نهادینه بیان خصومت؛
- حذف چالش‌های مستقیم علیه مشروعیت؛
- گشودن کانال‌های تحریک و انگیزش مسالمت‌آمیز برای تغییر
هنجاری؛
- کاهش منابع فشار؛

۲- نظریه‌های پیرو مکتب فرانکفورت

پیروان مکتب فرانکفورت از کسانی هستند که به تبیین کنش‌های دانشجویی پرداخته‌اند. به باور پیروان این مکتب، نفس دانش پیامدهایی دارد. بدین معنی، وقتی دانشجویی با مفاهیمی نظیر دموکراسی و آزادی آشنا می‌شود، بیش از هر کسی در صدد استقرار آن بر می‌آید. در این دیدگاه تأکید می‌شود که دانشگاه افق دید دانشجویان را تغییر می‌دهد. به همین سبب، آنان با سنت‌های موجود به مخالفت بر می‌خیزند و در پی آن بر می‌آیند که نظام نوینی را بنا نهند. اما، نظام موجود نیز کنش‌ها، اعتراضات و خواسته‌های آنان را نمی‌پذیرد و به مخالفت با آنان می‌پردازد. در نتیجه، کنش‌های اعتراضی دانشجویان استمرار می‌یابد.

به تعبیری ((در جوامع امروزی محیط‌های دانشگاهی، نخستین اجتماعی هستند که نیاز به دگرگونی را در بخش‌های سنتی جامعه حس می‌کنند)) (عسگری، ۱۳۷۸، صفحه ۲۲۰).

دارندرف (به نقل از تنهایی، ۱۳۷۴) ریشه کنش‌های دانشجویی را در تضادهای موجود می‌داند. او به پیروی از نظریات مارکسیستی معتقد است،

تضادهای پدید آمده در جامعه موجب بروز کنش‌های اعتراضی، به ویژه در اقشاری که آن تضادها را درک کرده‌اند، می‌شود.

باتامور نیز از جمله نظریه پردازانی است که به تبیین مبانی کنش‌های دانشجویی پرداخته است. به باور او ((دانشگاه ساختی مختص دانش و تفکر انتقادی دارد و این ساخت استقلال و آزادی بیان می‌طلبد)) (صفحه ۷۶). از نظر باتامور در کنش‌های جمعی دانشجویی، هم اندیشه‌های رادیکال برای تغییر اجتماعی و هم نیروی انسانی برای عمل اجتماعی و حرکت در رسیدن به اهداف وجود دارد.

در این معنا، از نظر باتامور جنبش دانشجویی نه تنها در برگیرنده انتقادهای روشنفکرانه، بلکه متضمن تغییر رادیکالی در ساخت جامعه و دانشگاه است (صفحه ۷۶). هابرماس نیز اعتراضات دانشجویی را شکلی از مخالفت‌های گروه‌های سنی نوجوان و جوان در برابر والدین می‌داند (عسگری، ۱۳۷۸، همان).

۳- نظریه‌های هویت و شناخت

تورن ۱ و ایرمن ۲ از جمله نظریه پردازانی هستند که از دو زاویه هویت و شناخت^۳، به تحلیل جنبش‌های اجتماعی و کنش‌های عمومی دانشجویان پرداخته‌اند. به باور تورن (۱۹۸۹) هدف اصلی کنش‌های دانشجویی، به چالش کشیدن وضعیت موجود است. او تأکید می‌کند که جنبش اجتماعی حاصل کنش متقابل تمامیت، هویت و مخالفت است. بر این اساس، هویت یک جنبش دانشجویی در مخالفت با تمامیت وضع موجود و در یک بستر اجتماعی جاری شکل می‌گیرد. براساس نظر تورن، جنبش‌های اجتماعی و دانشجویی، دارای انگیزه سیاسی هستند. آنها نظام حاکم را به سبب کاستی‌ها و نقصانهای مدیریتی،

1. Touvaine
2. Eyerman
3. Cognition

یا حتی ایدئولوژیکی، به چالش می‌کشند. به باور او، وقوع جنبش‌های اجتماعی و دانشجویی همواره محتمل است. چه، روشنفکران جامعه پیوسته قادرند نقصانهایی را در نظام حاکم شناسایی، و هواداران خود را برای مقابله با آن برانگیزند.

ایرمن (۱۹۹۱) با نگاه متفاوتی به کنش‌های دانشجویی می‌نگرد. او برای تحلیل این گونه کنش‌ها از رویکرد شناختی بهره می‌گیرد. به باور او، هدف یک جنبش اجتماعی، اعم از جنبش دانشجویی، تنها به چالش کشیدن قدرت موجود نیست، بلکه چنین جنبشی یک نیروی اجتماعی سازنده است که نقش بنیادین در معرفت بشری دارد. به اعتقاد او، چنین جنبش‌هایی موجب بازاندیشی در رویه‌های جاری و تغییر حرفه‌ای و مدرن وضع موجود و سیاستهای حاکم می‌شود. براساس این دیدگاه، جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات دانشجویی بندرت موجب واپس روی می‌شوند، چه متولیان و رهبران آن جنبش‌ها در پی تولید اندیشه و ارائه راهکارهای خلاقانه برای اداره جامعه هستند.

چنین دیدگاهی مورد انتقادات شدید قرار گرفته است. برای مثال، برکر (۱۹۹۸) معتقد است آنچه ایرمن از آن تحت عنوان جنبش اجتماعی نام برده است، چیزی جز ((انقلاب یا جهش علمی)) نیست. به باور او، جنبش‌ها و کنش‌های جمعی اعتراض آمیز دانشجویان اغلب سرشار از عاطفه و هیجان منفی است که نظام حاکم وضع موجود را دچار چالش جدی می‌کند. این ادعا مورد تأیید بسیاری از محققان ایرانی قرار گرفته است. برای مثال هاشم زهی (۱۳۸۱) ضمن مرور جنبش دانشجویی در ایران از آغاز شکل‌گیری دانشگاه تا سال ۱۳۷۷، تأکید کرده است که جنبش دانشجویی ایران همواره ماهیت افراطی و هیجان‌انگیز داشته است. دهنو خلجی (۱۳۷۷) نیز بر این واقعیت مهر تأیید زده است.

حسام (۱۳۷۷) با تحلیل جنبش دانشجویی ایران اذعان داشته است که این جنبش را می‌توان با بهره‌گیری از دیدگاه‌های کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز مورد تحلیل قرار داد.

اما، همانگونه که این مطالب نشان می‌دهد، متولیان هر یک از سه دیدگاه، کنش‌های سیاسی دانشجویی را در تعارض و تضاد آشکار یا تدریجی با نظم موجود، و نظام حاکم می‌دانند. چه، آنان بر این باورند که دانشجویان به سبب برخورداری از دانایی بالا، و خصایصی همچون آرمانگرایی، هیجان طلبی، مخالفت ورزی و تغییرگرایی، پیوسته در پی آنند که با کنش‌های سیاسی خویش وضع موجود، و متولیان و حامیان آن را با چالش روبه‌رو سازند. اینها تنها بخشی از واقعیت است. چون یافته‌ها و تحقیقات اخیر حقایق دیگری را در رابطه با کنش‌های سیاسی دانشجویان آشکار ساخته‌است. برای مثال، ویستا (۲۰۰۲) در تحقیقی جامع و بین فرهنگی نشان داده است که دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های کشورهای مختلف را می‌توان به سه گروه زیر تقسیم کرد:

- ۱- گروهی که فاقد نگرش سیاسی مشخص هستند؛ این گروه رغبت و اشتیاق چندانی برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی دانشجویی ندارند.
- ۲- گروهی که نظرات و نگرش‌های رادیکالی دارند و پیوسته علاقه‌مند به تغییر وضع موجود هستند؛ این گروه تمایل زیادی برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دانشجویی دارند.

۳- گروهی که حامی وضع موجود هستند؛ این گروه تنها در آن دسته از کنش‌های سیاسی شرکت می‌کنند که خواهان حفظ نظم موجود است. این گروه از دانشجویان را می‌توان در دانشگاه‌های کشورهای مختلف دنیا، نظیر فرانسه، کانادا، مصر، الجزایر، لیبی، ایران و ... مشاهده کرد. ویستا تأکید می‌کند که

((محدود ساختن کنش‌های دانشجویی به کنش‌های اعتراض آمیز و مخالفت جویانه، خطای بزرگی است که بسیاری از محققان اجتماعی و سیاسی مرتکب آن شده‌اند. آنان گویی محیط دانشگاه را تنها محیطی برای مخالفت‌ورزی و حتی اغتشاش‌گری تلقی کرده‌اند، غافل از آنکه در همان دانشگاهی که گروه‌قلیلی به کنش‌های اعتراض آمیز روی می‌آورند، گروه کثیری نیز مخالف چنان کنش‌هایی هستند)) (ص ۷۲).

در چند دهه اخیر کنش‌های سیاسی دختران دانشجویان نیز تحقیقاتی را به خود معطوف ساخته است.

برویس^۱ (۱۹۹۴) در یک بررسی نظام‌مند در رابطه با کنش‌ها و جنبش‌های زنان، دریافته است که گرایش دانشجویان دختر به کنش‌های سیاسی از دهه ۸۰ میلادی به بعد، سیری روزافزون داشته است. به باور او دختران دانشجو دریافته‌اند که لازمه به رسمیت شناخته شدن حضور آنان در صحنه‌های پراهمیت اجتماعی و سیاسی کشور، برخورداری از دانش و نگرش سیاسی و مشارکت در کنش‌های سیاسی و اجتماعی است. برویس، همانند ویستا در حدود یک دهه پیش از او، تأکید کرده است، که تنها گروهی از فعالان دانشجو، بویژه دختران دانشجو، در پی مخالفت با وضع موجود و نظام موجود هستند.

ساندرز^۲ (۲۰۰۴) نیز اخیراً به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی دختران و پسران دانشجو پرداخته است. او دریافته است، برخلاف پسران دانشجو، خانواده همچنان یکی از عناصر مؤثر بر شکل‌گیری نگرش‌های دختران دانشجو است. او علاوه بر خانواده به نقش همسالان،

1. Bavwise
2. Saunders

تشکل‌های دانشجویی و نوع رشته تحصیلی در شکل‌دهی نگرش‌های دانشجویان دختر اشاره نموده است. ساموئل تأکید می‌کند که علی‌رغم پیشرفت زیادی که در چند ساله اخیر در گرایش دختران دانشجو به کنش‌های سیاسی دانشجویی وجود آمده است، همچنان میزان گرایش‌های سیاسی دختران کمتر از پسران دانشجو است. او در تبیین این تفاوت‌ها به حضور و نقش دختران و زنان در قلمروهای سیاسی و حکومتی اشاره می‌کند. علاوه بر آن، تأکید می‌کند که در احزاب سیاسی و گروه‌های دانشجویی، اغلب نقش‌های پایین‌تری به دختران و زنان دانشجو سپرده می‌شود، به همین سبب آنان از کارکرد خود در آن تشکل‌ها چندان احساس رضایت نمی‌کنند.

به عنوان نتیجه‌گیری از ادبیات موضوع، می‌توان نکات زیر را برجسته ساخت:

- ۱- دختران همانند پسران دانشجو، در کنش‌های سیاسی دانشجویی ایفای نقش می‌کنند. اما، علی‌رغم پیشرفت‌هایی که در سه دهه اخیر در گردش دختران دانشجو به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی صورت گرفته است، همچنان حضور آنها در قلمرو سیاسی کمتر از حضور پسران دانشجو است.
- ۲- گرچه اغلب نظریه پردازان، محققان و صاحب نظرانی که به بررسی، تحلیل و تبیین کنش‌های دانشجویان پرداخته‌اند، اقدامات و فعالیت‌های سیاسی اعتراضی و مخالفت‌جویانه دانشجویان را مورد کنکاش و تأمل قرار داده‌اند، در چند سال اخیر رویکرد پژوهشی جدیدی آغاز شده که عمدتاً به تحلیل و بررسی کنش‌های دانشجویان حامی نظم موجود پرداخته است. براساس یافته‌های محققان متأخر، درست همانگونه که گروهی از دانشجویان معترض و رادیکال نظم موجود و نظام‌های سیاسی حاکم را به چالش می‌کشند، دانشجویان حامی نظام به مقابله با رویکردها و رفتارهای اعتراضی دانشجویان رادیکال می‌پردازند.

۳- حتی آن دسته از نظریه‌پردازانی که به تبیین و تحلیل کنش‌های اعتراض آمیز دانشجویان پرداخته‌اند، بر این باورند که نظام‌های سیاسی حاکم می‌توانند با تدابیر و اقدامات از پیش طراحی شده، مانع از تبدیل کنش‌های اعتراض آمیز دانشجویی به بحران‌ها و جنبش‌های پردامنه سیاسی شوند.

طرح مسأله و بیان سئوالات اساسی

نویسندگان و محققانی نظیر آبراهامیان (۱۳۷۸) و مارکو^۱ (۲۰۰۲) بر این باورند که دانشجویان ایرانی در زمره فعال‌ترین دانشجویان سیاسی دنیا جای می‌گیرند. چه، آنان از آغاز تأسیس دانشگاه در ایران تا سالهای اخیر همواره نقش بارزی در کنش‌های مغایر با نظم موجود و کنش‌های حامی نظم موجود داشته‌اند. افزون بر این دو محقق، دهها نویسنده و محقق دیگر نیز بر نقش و کارکرد سیاسی دانشجویان ایرانی، بویژه در برهه‌های زمانی خاص، اذعان نموده‌اند. گرچه، تعدادی از نویسندگان و محققان، نقش‌ها و کارکردهای سیاسی دختران دانشجوی ایرانی را مورد نظر و تأکید قرار داده‌اند، اما داده‌های مقتضی پیرامون گرایش‌های سیاسی دختران دانشجو، و آمادگیهای سیاسی آنان به دست نداده‌اند. بویژه اکنون که جمهوری اسلامی ایران پیش از گذشته با تهدیدات سیاسی و روانی دشمنان استراتژیک خود روبه‌رو است به درستی و روشنی مشخص نیست که میزان آمادگی دختران دانشجو برای انجام اقدامات له و علیه نظام و ارگانهای آن چقدر است. از این رو، تحقیق حاضر در پی آن است که پاسخی برای هر یک از سئوالات اساسی زیر به دست دهد:

- ۱- دختران دانشجو چه نگرشی به فعالیت سیاسی در دانشگاه‌ها دارند؟
- ۲- چه تعداد از دختران دانشجو جذب تشکلهای مختلف دانشجویی شده‌اند؟

1. Marco

۳- میزان آمادگی دختران دانشجو برای انجام کنش‌های اعتراض آمیز دانشجویی چقدر است؟ آیا در میزان آمادگی دانشجویان دانشگاه آزاد و دولتی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۴- آیا بین میزان آمادگی دانشجویان گروه‌های تحصیلی مختلف به انجام کنش‌های اعتراض آمیز دانشجویی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۵- میزان آمادگی دختران دانشجو برای مقابله با کنش‌های اعتراض آمیز دانشجویی چقدر است؟

۶- آیا بین ترم تحصیلی و موفقیت تحصیلی دانشجویان، با آمادگی آنان جهت مقابله با کنش‌های اعتراض آمیز دانشجویی رابطه معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

در این تحقیق از روش ((تحقیق پیمایشی مقطعی)) (با زمینه‌یابی) استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های مختلف شهر تهران، اعم از دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی، است. حجم این جامعه بین ۳۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر است.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه براساس جدول مورگان و در سطح خطای ۰/۰۱، ۱۶۰۰ نفر برآورد شد. برای انتخاب آزمودنیها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. برای این منظور، ابتدا از بین دانشگاه‌های گروه‌های مختلف (علوم

انسانی، علوم فنی، پزشکی و هنر) دو دانشگاه، و از هر دانشگاه، دو دانشکده و از هر دانشکده، چند کلاس و از هر کلاس، تعدادی آزمودنی انتخاب گردید.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات از یک مقیاس ۳۸ ماده‌ای استفاده شد. این مقیاس پیش از اجرای اصلی، روی گروهی به حجم ۱۰۰ نفر اجرا گردید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتیجه حاصل نشان داد که مقیاس از پایایی بالا ($\text{Alpha}=0/87$) برخوردار است.

یافته‌های تحقیق

در سطور زیر یافته‌های تحقیق به تفکیک سئوالات اساسی گزارش می‌شود.

۱- نگرش به فعالیت سیاسی

نگرش دانشجویان به فعالیت سیاسی در دانشگاه با سه سئوال مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. حاصل نظرات دانشجویان به آن سه سئوال در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱: نگرش دانشجویان دختر به فعالیت سیاسی در دانشگاه

نوع نگرش	فراوانی	درصد
نگرش کاملاً مثبت	۶۴۰	۲۰
نگرش نسبتاً مثبت	۳۲۰	۴۰
فاقد بینابین	۲۴۰	۱۵
نگرش نسبتاً منفی	۲۴۰	۱۵
نگرش کاملاً منفی	۱۶۰	۱۰
جمع	۱۶۰۰	۱۰۰

همانگونه که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد، تنها ۲۵ درصد کل دختران دانشجو نگرش مساعدی به فعالیت سیاسی در دانشگاه ندارند. ۶۰ درصد کل دختران دانشجو، بر این باورند که یک دختر دانشجو لازم است بخشی از فعالیت دانشجویی خود را به فعالیت‌های سیاسی اختصاص دهد.

میانگین نگرش دانشجویان دختر چهار گروه اصلی تحصیلی (علوم انسانی، علوم فنی، علوم پزشکی و هنر) به فعالیت سیاسی در دانشگاه با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس یکطرفه مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است.

جدول ۲: خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس برای مقایسه نگرش دانشجویان دختر گروه‌های تحصیلی مختلف

منابع تغییر	درجات آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	Sig
بین گروهها	۴	۲۴/۱۸	۶/۰۴	۵/۸۵	۰/۰۰۱
درون گروهها	۱۴۹۱	۱۵۳۹/۰۹	۱/۰۳		
جمع	۱۴۹۵	۱۵۶۳/۲۸			

همانگونه که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد، بین میانگین نگرش دانشجویان چهار گروه به فعالیت سیاسی تفاوت آماری معناداری وجود دارد. محاسبه میانگین‌ها نشان داد که گروه علوم انسانی (با میانگین ۳/۹۰) درصد و گروه هنر (با میانگین ۲/۹۷) در ذیل قرار دارند. به عبارت دیگر، دانشجویان دختر گروه علوم انسانی نگرش نسبتاً مساعدتری به فعالیت سیاسی در دانشگاه دارند، درحالی که نگرش دانشجویان هنر به فعالیت سیاسی در دانشگاه چندان مساعد نیست.

۲- میزان جذب دختران دانشجو به تشکل‌های دانشجویی

از بین کل دانشجویان دختر، ۶۸ درصد اظهار داشته‌اند که عضو هیچ یک از تشکل‌های فعالی دانشجویی (اعم از بسیج دانشجویی، انجمن‌های اسلامی و ...) نیستند. از بین ۳۲ درصد بقیه تنها کمتر از نیمی از آنان به صورت مستمر و فعال در تشکل‌های دانشجویی به فعالیت می‌پردازند. بقیه آنان اظهار داشته‌اند که تنها گاهگاهی در تشکل مورد علاقه خود حضور می‌یابند.

مقایسه نسبت جذب به تشکل‌های دانشجویی، نشان داد که بالاترین میزان جذب به بسیج دانشجویی و کمترین آن به دفتر تحکیم وحدت (طیف علامه) است. میزان جذب در دفتر تحکیم کمتر از ۵ درصد است. در حالی که میزان جذب در بسیج دانشجویی بیش از ۱۰ درصد است.

۳- میزان آمادگی برای انجام کنش‌های اعتراض آمیز

میزان آمادگی دختران دانشجو به انجام شش نوع کنش اعتراض آمیز با استفاده از چند گویه مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است:

جدول ۳: میزان آمادگی دختران دانشجو برای انجام انواع کنش‌های اعتراض آمیز

نوع کنش	فراوانی	درصد
جمع‌آوری طومار	۲۰۸	۱۳
نرفتن به سرکلاس	۴۴۵	۱۸
تحصن در محوطه دانشگاه	۱۲۶	۷
تحصن در بیرون دانشگاه	۸۴	۵
تظاهرات در محوطه دانشگاه	۵۱	۳
تظاهرات در بیرون دانشگاه	۱	۱

همانگونه که جدول بالا نشان می دهد، تنها حدود ۱۵ درصد از کل دانشجویان برای انجام کنش های اعتراض آمیز شدید (تحصن و تظاهرات) آمادگی دارند. در حالی که ۶۳ درصد آنان حاضر نشدند در هیچ اقدام اعتراض آمیزی شرکت نمایند. نرفتن به سرکلاس و جمع آوری طومار از مهمترین روشهای ترجیحی اعتراض آمیز دانشجویان دختر است. همچنین داده ها مشخص کرد که بین آمار دانشجویان دانشگاه دولتی و آزاد تفاوت معناداری وجود ندارد.

۴- مقایسه میزان آمادگی گروههای تحصیلی مختلف برای انجام کنش های اعتراض آمیز

میزان آمادگی گروههای مختلف تحصیلی، برای انجام کنش های اعتراض آمیز با استفاده از یک گویه مورد اندازه گیری قرار گرفت. در آن گویه از دانشجویان دختر پرسیده شد ((چه میزان حاضرید برای اعتراض به مسئولان دانشگاه یا مسئولان سیاسی کشور در اقدامات اعتراض آمیز (تظاهرات و ..) شرکت نمائید؟)).

میانگین آمادگی گروههای تحصیلی با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس یکطرفه مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است.

جدول ۴: خلاصه تجزیه و تحلیل واریانس برای مقایسه میزان آمادگیهای گروههای مختلف تحصیلی جهت انجام کنش های اعتراض آمیز

منابع تغییر	درجات آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	sig
بین گروهها	۴	۱۴۱/۷۴	۳۵/۴۳	۱۸/۴۹	۰/۰۰۱
درون گروهها	۱۴۷۷	۲۸۳۰/۷۳	۱/۹۱		
جمع	۱۴۸۱	۲۹۷۲/۴۷			

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل واریانس نشان داد که محاسبه شده ($F= ۱۸/۴۹$) در سطح $P= ۰/۰۰۱$ بزرگتر از F استاندارد است. این بدان معنی است که بین میزان آمادگی حداقل دو گروه از گروه‌های تحصیلی، برای انجام کنش‌های اعتراض آمیز تفاوت آماری معناداری وجود دارد. اجرای آزمون تعقیبی توکی نشان داد که این تفاوت بین دانشجویان علوم انسانی و فنی با دانشجویان هنر وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر، یافته‌ها نشان داد که میزان آمادگی دانشجویان هنر برای انجام کنش‌های اعتراض آمیز بسیار کمتر از دانشجویان علوم انسانی و فنی (و علوم پایه) است.

۵- میزان آمادگی برای مقابله با کنش‌های اعتراض آمیز
میزان آمادگی دانشجویان دختر برای مقابله با کنش‌های اعتراض آمیز سایر دانشجویان و دفاع از نظام در مقابل تهدیدات، با چند گویه مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است:

جدول ۵: میزان آمادگی دختران دانشجو برای مقابله با کنش‌های اعتراض آمیز

میزان آمادگی	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۵۱۲	۳۲
نسبتاً زیاد	۳۸۹	۲۴
کم	۷۹	۵
خیلی کم	۲۵۰	۱۶
هیچ	۳۷۰	۲۳
جمع	۱۶۰۰	۱۰۰

همانگونه که داده‌های مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد، ۵۶ درصد از کل دانشجویان آمادگی خود را برای مقابله با اعتراضات شدید (و نه خفیف) دانشجویی ابراز داشته‌اند. درحالی که حدود ۴۰ درصد دیگر آنان، فاقد آمادگی برای مقابله با کنش‌های اعتراض‌آمیز هستند.

۶- رابطه ترم و موفقیت تحصیلی با آمادگی برای مقابله با کنش‌های اعتراض‌آمیز برای بررسی رابطه ترم و موفقیت تحصیلی دختران دانشجو با آمادگی آنان برای مقابله با کنش‌های اعتراض‌آمیز، از آزمون آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج خاص در جدول زیر درج شده است.

جدول ۶: رابطه ترم و موفقیت تحصیلی با آمادگی جهت مقابله با کنش‌های اعتراض‌آمیز

رابطه‌ها	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معنادار
ترم و آمادگی	۰/۱۶	۱۵۰۰	۰/۰۵
موفقیت تحصیلی و آمادگی	۰/۱۱	۱۴۸۰	۰/۰۵

همانگونه که ضرایب همبستگی مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد بین دو متغیر ترم تحصیلی و موفقیت تحصیلی، با آمادگی دختران دانشجو برای مقابله با کنش‌های اعتراض‌آمیز همبستگی معناداری وجود دارد. اما در هر دو مورد ضریب همبستگی چندان بالا نیست.

نتیجه‌گیری از داده‌های تحقیق

همانگونه که در بالا نشان داده شد، یافته‌های این تحقیق آشکار ساخت که:

۱- حدود دوسوم دانشجویان دختر نگرش مساعدی به فعالیت سیاسی در دانشگاه دارند.

۲- اندکی کمتر از یک سوم دانشجویان دختر به صورت مستمر و یا حتی اتفاقی و کوتاه مدت در فعالیت‌های تشکل‌های موجود دانشجویی شرکت می‌کنند.

۳- گرچه کمتر از چهل درصد از دانشجویان حاضرند در کنش‌های سیاسی اعتراض آمیز خفیف، و نه شدید و خشونت آمیز، شرکت نمایند، اما ۶۳ درصد آنان حاضر نشدند در هیچ کنش اعتراض آمیزی شرکت کنند. میزان آمادگی دانشجویان علوم انسانی برای انجام کنش‌های سیاسی اعتراض آمیز بیش از سایر دانشجویان است.

۴- بیش از نیمی از دانشجویان آمادگی مقابله با اعتراضات سیاسی شدید را دارا هستند. با افزایش ترم تحصیلی و موفقیت تحصیلی بر میزان این آمادگی افزوده می‌شود.

این یافته‌ها را می‌توان در دو مفهوم زیر خلاصه و در تبیین آنها نکاتی را مورد بحث قرار داد.

۱- نگرش به فعالیت سیاسی و عضویت در تشکل‌های دانشجویی

۲- کنش‌ها و آمادگی‌های رفتاری

در سطور زیر یافته‌های مربوط به هر یک از این دو مفهوم مورد بحث قرار می‌گیرند:

۱- نگرش به فعالیت سیاسی و عضویت در تشکل‌های دانشجویی

در ادبیات موضوع تأکید شد که اساساً نام دانشجوی با فعالیت سیاسی، و نگرش و موضع‌گیری سیاسی عجین گشته است. چه، دانشجو افزون بر دغدغه درس و تکالیف آموزشی، دغدغه و دلمشغولی عمده دیگری نیز دارد و آن گرایش به تغییر، و بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه است. به تعبیر محققانی که در ادبیات موضوع از آنها نام برده شد، گرچه نقش اصلی و اولیه یک

دانشجو علمی، آموزشی و پژوهشی است، اما او نقش دیگری نیز دارد که نقش اجتماعی و سیاسی است. او براساس این نقش به صورت یک مفسر و منتقد اجتماعی جلوه می‌کند. از آن گذشته، یک جوان، اعم از دختر یا پسر، با آغاز زندگی دانشجویی با معارف و قلمروهای معرفتی جدیدی آشنا می‌شود. این معارف و دانش‌ها، ناهشیارانه موجب پیدایش نگرشهای متنوع و متعددی می‌شوند، که بخش عمده آنها ماهیت سیاسی و اجتماعی دارند. ناگفته آشکار است که شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم، در تشدید یا تعدیل نگرشهای دانشجویان نقش پراهمیتی ایفا می‌کند. در برخی شرایط، آنچنان نقش سیاسی دانشجویان برجسته می‌شود که آنان از نقش اصلی و اولیه خود، یعنی نقش علمی و آموزشی، باز می‌مانند، اما در برخی شرایط دیگر جنبش و کنش‌های دانشجویی آنچنان دچار رکود و خموشی می‌گردد، که گویی دانشجویان فاقد هر نوع دغدغه سیاسی و اجتماعی هستند. یافته‌های این تحقیق، بیانگر آن است که در حال حاضر دانشجویان دختر در وضعیتی بینابین قرار دارند. از یکسو تنها ۲۰ درصد آنان نگرش شدیدی به فعالیت‌های سیاسی دارند، ۲۵ درصد دیگر آنان تقریباً فاقد نگرش سیاسی هستند و بقیه آنان در حد وسط این دو طیف قرار می‌گیرند. در تبیین این واقعیت می‌توان دلایل چندی را برشمرد: نخست آنکه، در طول نیم قرن گذشته جنبش‌ها، کنش‌ها و نگرشهای سیاسی دانشجویان ایرانی همواره پس از یک دوره فراز و فرود، دارای یک دوره رکود و کاهش شدت، بوده است. در یک دهه اخیر نیز کنش‌ها و نگرشهای سیاسی دانشجویان ایرانی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ یکباره به نقطه اوج و شدت خویش ارتقا یافت، بگونه‌ای که بسیاری از اوقات دانشجویان صرف مباحث سیاسی و کنش‌های جمعی دانشجویی می‌شد. اما چند سال بعد بار دیگر فعالیت سیاسی دانشجویان به نقطه

پیش از اوج بازگشت، آنان بتدریج نسبت به جریان‌ات سیاسی موجود بی اعتماد شدند و در نتیجه، نگرش آنان به فعالیت سیاسی تقلیل پیدا کرد. لیکن، این تعدیل و کاهش در حد متوسط باقی ماند. دوم آنکه، نگرش‌های سیاسی دانشجویان معمولاً بر اثر تضارب آرا و مباحث و جدل‌های دانشگاهی تشدید می‌شود. به نظر می‌رسد در چند سال اخیر زمینه تضارب آرا و بحث و چالش بر سر مسائل سیاسی در دانشگاهها افول کرده است. به همین سبب، از شدت نگرش دانشجویان به فعالیت سیاسی کاسته شده است. سوم آنکه، احساس تهدید بیرونی نیز بر شدت نگرش‌های سیاسی دانشجویان تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد که در حال حاضر احساس تهدید بیرونی دانشجویان کاهش یافته است. به همین سبب، رغبت و تمایل آنان به فعالیت‌های سیاسی تقلیل یافته است.

علاوه بر اینها، عوامل متعدد و متنوع دیگری بر نگرش‌های سیاسی دانشجویان تأثیر می‌گذارد. یکی از آن عوامل رشته تحصیلی است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی، بیش از سایر دانشجویان مایل به انجام فعالیت‌های سیاسی هستند. در حالی که گرایش دانشجویان هنر به فعالیت‌های سیاسی در کمترین حد ممکن قرار دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان به محتوای دروس رشته‌های علوم انسانی از یکسو و فرصت و زمینه بحث و تبادل نظر بر سر موضوعات چالش‌انگیز اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر، اشاره کرد. ماهیت برخی دروس علوم انسانی به گونه‌ای است که بر طراز آگاهی و دانش دانشجویان این رشته‌ها نسبت به مسائل اجتماعی می‌افزاید. آگاهی و دانایی نیز اغلب به دنبال خود تعهد و احساس مسئولیت در قبال مسائل جامعه و مسائل روز ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که دانشجویان رشته‌های هنر فاقد این جنبه از مباحث اجتماعی بوده و آنچنان غرق مسائل هنری و زیبا شناختی رشته‌های خود

می‌شوند که مسائل اجتماعی و سیاسی غافل می‌مانند. موفقیت تحصیلی نیز همبستگی معناداری با شدت نگرش‌های سیاسی دارد. یافته‌های این تحقیق نشان داد دانشجویان دارای عملکرد تحصیلی بالاتر، نگرش مساعدتری به فعالیت سیاسی دارند. شاید یکی از عوامل مؤثر بر این دو (موفقیت تحصیلی، و وجود نگرش سیاسی) طراز هوشی و سطح دانایی و اطلاعات عمومی باشد. چه، دانشجویانی که از طراز هوشی و سطح دانایی بالاتری برخوردارند از یک سو نمرات بهتری در دروس کسب می‌کنند و از سوی دیگر، بیش از دیگران از مسائل روز و اوضاع سیاسی و اجتماعی آگاه می‌شوند، و در نتیجه سریع‌تر به این گونه مسائل نگرش پیدا می‌کنند. اعتماد یا عدم اعتماد به تشکل‌های دانشجویی نیز از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش به فعالیت سیاسی در دانشگاه و نیز مشارکت سیاسی است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که اغلب دانشجویان به هیچ یک از تشکل‌های دانشجویی، اعتماد ندارند. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل عدم اعتماد دانشجویان به تشکل‌های موجود دانشجویی شفاف نبودن و عدم صراحت در مواضع آن تشکل باشد. از آن گذشته، یک تشکل مطلوب، تشکلی است که بتواند:

- نیازی از نیازهای دانشجویان (اعم از نیاز روانی یا مادی) را برآورده سازد،
- دانشجویان را به فعالیت‌های اثربخش فرا خواند،
- موجب انسجام دانشجویان شود،
- احساس دلبستگی و تعلق خاطر را در دانشجویان ایجاد کند،
- زمینه مشارکت عمومی دانشجویان را فراهم نماید.
- از فرآیندهای مردم سالارانه تبعیت کند و موجب شور و هیجان در دانشجویان شود.

شاید عدم توجه تشکل‌های کنونی به این نیازها و دیگر عوامل، موجب افزایش احساس بی‌اعتمادی دانشجویان به آنان شده باشد.

به طور خلاصه بر اساس ادبیات موضوع و یافته‌های تحقیق و سایر تحقیقات می‌توان نتیجه گرفت که پنج دسته عوامل بر شکل‌گیری نگرش دختران دانشجوی به فعالیت سیاسی در دانشگاه نقش دارند:

۱- عوامل مربوط به دانشگاه

۲- عوامل مربوط به درون خانواده

۳- عوامل مربوط به فرد

۴- عوامل مربوط به شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه

۵- عوامل مربوط به تشکل‌های دانشجویی

از بین عوامل مربوط به دانشگاه دو عامل نقش مهمتری دارند: اساتید و همکلاسیها. از بین عوامل درون خانواده، تحصیلات مادر، میزان بحث سیاسی در بین اعضای خانواده، همسویی نگرش‌های پدران و دختران، و ترجیحات سیاسی اعضای خانواده، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش دانشجویان دختر به فعالیت دارد از بین عوامل مربوط به فرد، سابقه فعالیت تشکیلاتی، موفقیت تحصیلی و رشته تحصیلی نقش بیشتری در گرایش‌ها و نگرش‌های دانشجویان دختر به فعالیت‌های سیاسی دانشجویی دارند.

وجود چالش‌های سیاسی، بروز زمینه تضارب آرا، شدت مباحث مطروحه در جراید و رسانه‌های عمومی و تهدیدات خارجی، از جمله عوامل اجتماعی و موقعیتی هستند که بر شدت تمایل دانشجویان دختر برای انجام فعالیت‌های سیاسی تأثیر می‌گذارند.

۲- کنش‌ها و آمادگی‌های رفتاری

یافته‌های این تحقیق بیانگر واقعیتی بود که بردیس (۱۹۹۴) و وستا (۲۰۰۲) بر آن تأکید ورزیده‌اند. درحالی که گروهی از دانشجویان حاضرند در احقاق حقوق صنفی خود مبادرت به برخی کنش‌های اعتراض آمیز نمایند، گروه دیگری از آنان حاضرند به مقابله با معترضانی بپردازند که با اقدامات اعتراض آمیز خود موجب کاهش امنیت سیاسی جامعه و چالش در نظم موجود می‌شوند. لیکن، براساس یافته‌های این پژوهش، تنها گروه قلیلی از دختران دانشجو حاضرند به انجام کنش‌های شدید و خشن (نظیر تظاهرات در بیرون دانشگاه) مبادرت نمایند. جالب آنکه، دانشجویان علوم انسانی و علوم فنی - مهندسی هم برای انجام کنش‌های اعتراض آمیز آمادگی بیشتری دارند و هم برای مقابله با چنان کنش‌هایی؛ به تعبیر دیگر، دانشجویان دختر رشته‌های علوم انسانی و فنی سیاسی‌تر از سایر دانشجویان دختر دیگر رشته‌ها هستند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد می‌توان به طور خلاصه نتیجه گرفت که تقریباً ۶۰ درصد کل دانشجویان دختر علاقه‌مند هستند که در فعالیت‌های سیاسی دانشجویی شرکت نمایند. اما، تنها تعداد کمی از آنها جذب تشکل‌های دانشجویی شده‌اند. چه، آنان اعتماد چندانی به آن تشکل‌ها ندارند. همچنین، عده‌ایی از دانشجویان علاقه‌مند به فعالیت سیاسی تمایل دارند در کنش‌های اعتراض آمیز شرکت نمایند و عده‌ای نیز آماده‌اند که به مقابله با کنش‌های اعتراض آمیز بپردازند. سرانجام، به نظر می‌رسد که اینک دانشگاه‌های کشور نیازمند تشکل‌های جدیدی است که با برآوردن نیازها، و تحقق امیال و خواسته‌های دختران دانشجو زمینه را برای جذب آنان فراهم سازد. در غیر آن صورت بیم آن می‌رود که تمایل دختران دانشجو برای انجام فعالیت‌های سیاسی دانشجویی بیش از پیش تقلیل یابند.

منابع فارسی

۱. ابراهامیان، برواند (۱۳۷۸)، *ایران بین دو انقلاب* (ترجمه احمد گل محمدی) تهران: نشر نی.
۲. عسگری، غلامرضا (۱۳۷۸)، *جنبش دانشجویی و هنر مانی*. تهران: نشر نی.
۳. هاشم زهی، نوروز (۱۳۸۱)، *تحلیلی بر حرکت‌های دانشجویی ایران*. تهران: پژوهشکده فرهنگ و معارف.
۴. حسام، فرحناز (۱۳۷۷). *تحلیل اجتماعی نهادهای مدنی در ایران* (مطالعه موردی انجمن‌های اسلامی دانشجویان). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
۵. دهنو خلجی، جواد (۱۳۷۷)، *علل رویکرد جنبش دانشجویی به مذهب*. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی. دانشگاه تهران - دانشکده علوم سیاسی.

Refrence English

- 1-Beechey, R.(1986). *Social movement*. London:Routledge.
- 2-Abbott, P.A(1999). *Women and Social class*.London:McGraw – Hill.
- 3-Barwiso, L.(1994).*Feminism and students movements*.London: McGraw – Hill.
- 4-West,F.(Rool).Attractiveness,self esteem and aggression. *Journal of social and Personality*, 17,121:30.
- 5-Blumer, H.(1969).*Collective Behavior*. London:Macmillan.
- 6-Smelser, N.(1962).*theory of Collective Behavior*. Newyork: Feeepres.
- 7-Touraine, A.(1989). *The new social confliets*. Chicago press.
- 8-Eyerman, R.(1991). *Social movements:A cognitive Approach*.state university press.
- 9-Barker, A.(1998). *Social movement :A Social Approach*. Newyork :Macimillan.

- 10-Wasta, R.(2002). *A study on students movements*. www.Psy.or.
- 11-Barwise, H.I.(1994). *Women and Future*. www.women.ir.
- 12-Saunders, D.(2004). *The relationship of attitude variables and political Behaviors in male and female*. www.aca.ir.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی